

پیترسینگر

یک جهان

اخلاق جهانی شدن

ترجمہ محمد آزادہ



نشرنی

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار مترجم
۱۳	مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی
۱۵	مقدمه چاپ دوم
۲۵	مقدمه
۳۱	فصل اول. جهانی در تغییر
۴۷	فصل دوم. اتمسفر واحد
۴۷	طرح مسئله
۵۵	ریو و کیوتو
۶۳	توزیع برابر چیست؟
۸۳	پیشنهادی برای تحقق عدالت
۹۰	بیرون آمدن از عالم خیال؟
۹۳	فصل سوم. اقتصاد واحد
۹۳	جنگال سازمان تجارت جهانی
۹۸	چهار اتهام
۱۴۰	قضاوت

آیا می‌توان بهتر عمل کرد؟ ۱۴۲

تجارت، مشروعیت، و دموکراسی ۱۴۸

فصل چهارم. قانون واحد

نیاز به مداخله ۱۶۱

ایجاد قوانین جنایی بین‌المللی ۱۶۱

شرایط مداخله بشر دوستانه ۱۶۹

اقتدار سازمان ملل ۱۷۸

آیا گسترش دموکراسی باعث جلوگیری از نسل‌کشی می‌شود؟ ۱۸۷

آیا منافع مداخله از مضار آن بیش‌تر است؟ ۱۹۶

احتراز از امپریالیسم فرهنگی ۱۹۸

اصلاح سازمان ملل ۲۰۰

خلاصه موضوع: حاکمیت ملی و اخلاق جهانی ۲۰۶

..... ۲۱۱

فصل پنجم. اجتماعی واحد

..... ۲۱۳

مساوات بشر، نظریه و عمل ۲۱۳

اولویت دادن به آنچه خودی است ۲۱۷

اخلاق و بی‌طرفی ۲۱۸

بررسی اولویت‌های جانبدارانه ۲۲۶

اهمیت اخلاقی دولت ملی ۲۳۳

واقعیت ۲۴۸

مبارزه‌های اخلاقی ۲۵۵

فصل ششم. دنیایی بهتر؟ ۲۶۷

یادداشت‌ها ۲۷۳

فهرست برخی از اصطلاحات ۳۰۵

پیشگفتار مترجم

بر هیچ ناظر تیزبینی پوشیده نیست که جهان ظرف چند دهه گذشته با سرعتی روزافزون شاهد تغییرات کمی و کیفی شگرفی بوده است. از منظری کلی، می توان گفت که جهان به شکل بی سابقه ای برای ساکنان آن کوچک شده است. از یک طرف، جمعیت روزافزونی برای استفاده از منابعی محدود و در مواردی رو به پایان با هم رقابت می کنند - منابعی از قبیل زمین، آب، انرژی، جنگل ها و دریاها - و از طرف دیگر، زندگی مردم در نقاط مختلف کره زمین به گونه ای روزافزون به صورت کلافی پیچیده و درهم گره خورده درمی آید به طوری که تقریباً زندگی هیچ فردی از افراد بشر کاملاً مستقل از زندگی دیگری نیست. فناوری های جدید مخابراتی هم که یکی پس از دیگری به سرعت در زندگی بشر وارد می شوند - از رادیو و تلویزیون گرفته تا اینترنت - انسان ها را وارد جهانی بیش از پیش به هم پیوسته کرده اند، به طوری که مردم سراسر جهان می توانند نه تنها از کوچک ترین اتفاق در دورافتاده ترین نقطه کره زمین به طور تقریباً همزمان باخبر شوند، بلکه می توانند نظرات خود را در مورد آن اتفاق - یا هر موضوع دیگری - با بقیه افراد کره زمین در میان بگذارند. و نکته مهم این است که این به هم پیوستگی زندگی انسان ها دیگر اختیاری هم نیست. حتی سرنوشت دهقانی که در دشتی دورافتاده روی تکه زمینی کار می کند و از تمامی وسائل ارتباط جمعی نیز محروم است و در تمام عمر خود هم جز محل تولدش

جای دیگری را ندیده است بدون این که خود بداند به شکلی عمیق با سرنوشت بقیه بشریت گره خورده است. تغییرات جهانی آب و هوا که امروزه از نظر علمی نیز تقریباً مسلم شده است، سرنوشت همه ساکنان زمین را به هم مربوط کرده است: همه انسان‌ها در اتمسفری واحد زندگی می‌کنند، آب همه اقیانوس‌ها به هم مرتبط است، و اکوسیستم کره زمین به مثابه سیستمی درهم تنیده و بسیار پیچیده به سرعتی بی‌سابقه در حال تغییر است. در یک کلمه، بشریت در حال عبور از «زندگی در جهان‌های گوناگون» به مرحله جدید «زندگی در جهانی واحد» است - جهانی که در آن مرزهایی مصنوعی از قبیل کشور و ملیت و نژاد اهمیت و کارایی اش را به تدریج از دست خواهد داد.

اما این تغییرات چه معنایی برای ما انسان‌ها دارند؟ استدلال اصلی پیتر سینگر در کتاب حاضر این است که لازمه این تحولات سریع و ژرف نوعی رویکرد جدید به اخلاق است - اخلاقی که بنابر استدلال سینگر باید بر مبنای منافع تمام انسان‌ها بنا شده باشد نه یک گروه خاص. نویسنده سپس به بسط این دیدگاه می‌پردازد و تبعات آن را در حوزه‌های گوناگون زندگی انسان بررسی می‌کند. در حوزه محیط زیست، مسئله گرم شدن کره زمین مشکلی است که اهمیت و دامنه آن تنها در چند سال اخیر درک شده است. تنها تا چند دهه قبل اتمسفر کره زمین منبعی پایان‌ناپذیر به نظر می‌رسید و کشورهای صنعتی، به خصوص امریکا، با استفاده بی‌حساب از منابع طبیعی جهان و با نشر مقادیر عظیمی از گازهای گلخانه‌ای توانستند مسیر صنعتی شدن را با سرعت زیادی طی کرده، استانداردهای بالایی از رفاه و آسایش را برای اتباع خود فراهم سازند. اما امروزه از یک طرف مشخص شده است که تولید گازهای گلخانه‌ای نمی‌تواند به همین میزان ادامه یابد و از طرف دیگر، کشورهای درحال توسعه حق دارند در این میان جویای سهم خود باشند، چراکه نمی‌توان از آن‌ها خواست به بهانه حفظ محیط زیست به استانداردهای پایین زندگی فعلی خود راضی باشند، آن هم درحالی که مشکل گرم شدن کره زمین تاکنون ناشی از استفاده بی‌حد و حصر کشورهای صنعتی از اتمسفر بوده است. این سؤال و سؤالاتی از این قبیل موضوع فصل دوم کتاب را تشکیل می‌دهد. در فصل سوم، جهانی شدن در حوزه اقتصاد مورد بحث قرار می‌گیرد. در حوزه اقتصاد یکی از واضح‌ترین مظاهر

جهانی شدن تولد و گسترش دامنه قدرت سازمان تجارت جهانی است. یکی از نکات مهم در فصل مذکور این است که با از میان رفتن موانع تجارت، دامنه نفوذ دولت‌ها نیز کاهش می‌یابد به طوری که به دلیل قید و بندهایی که لازمه تجارت آزاد است دولت‌ها به تدریج کنترل خود را در بسیاری از حوزه‌ها از دست می‌دهند. آزادی تجارت همچنین تأثیرات مهمی بر مسائل مربوط به محیط زیست و حیوانات داشته است. از طرف دیگر، یکی از مسائل بسیار مناقشه‌انگیز این است که آیا تجارت آزاد منجر به بهبود وضعیت مردم فقیر جهان شده یا وضعیت آن‌ها را بیش از پیش بد کرده است. این سؤال و سؤالاتی از این قبیل موضوع فصل سوم کتاب را تشکیل می‌دهد. در فصل چهارم، نویسنده جنبه‌های حقوقی جهانی شدن را مورد بررسی قرار می‌دهد. طی چند صد سال اخیر و با تولد دولت‌های ملی به معنای مدرن کلمه، مسئله حق حاکمیت ملی مطرح شده است، به طوری که هر دولتی خود را در محدوده مرزهایش در مسائلی از قبیل نحوه رفتار با مردم خود کاملاً مختار می‌داند. اما فجایعی که در قرن بیستم اتفاق افتاد این فرض را زیر سؤال می‌برد. آیا می‌توان گفت که وقتی میلیون‌ها نفر در کشوری در معرض خطر قتل عام اند دنیا باید دست روی دست گذاشته، به این دلیل که کل مسئله در حوزه حاکمیت ملی دولت خاصی است از دخالت در مسئله سرباز زند؟ و اگر جواب منفی است، مراعات چه ضوابطی لازم است تا از سلطه جویی کشورهای قدرتمند که ممکن است به این بهانه در امور کشورهای ضعیف دخالت کنند جلوگیری شود؟ قتل عام‌های بوسنی و رواندا که منجر به مرگ میلیون‌ها انسان شد نشان‌دهنده اهمیت این‌گونه سؤالات حتی در ابتدای قرن بیست و یکم است. فصل پنجم به بررسی مسئله جهانی شدن از دیدگاه اجتماعی و روابط انسانی می‌پردازد. در حوزه روابط انسانی رد پای اخلاق سنتی که تاکنون تنظیم‌کننده روابط انسان‌ها بوده بیش از بقیه حوزه‌ها قابل مشاهده است. در سیستم‌های اخلاقی سنتی معمولاً توجه شخص منعطف به گروهی خاص است. برای مثال، در هر سیستم اخلاقی قبیله‌ای، حوزه توجه و مسئولیت هر کس افراد هم‌قبیله او است، به طوری که شخص تقریباً هیچ مسئولیتی در قبال افراد خارج از قبیله احساس نمی‌کند. حتی در جهان مدرن، با این‌که در مقام نظر کم‌وبیش همه به تساوی انسان‌ها معتقدند، سیستم‌های اخلاقی عملاً ناسیونالیستی‌اند. به عبارت

دیگر، انسان‌ها دایره توجه و حس مسئولیت خود را در بهترین حالت نهایتاً به افراد هم‌وطن خود تعمیم می‌دهند. فقر فاحشی که بیش از یک میلیارد نفر از مردم جهان با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، شاهدهی روشن بر این موضوع است. درحالی‌که طبق آمار سازمان ملل روزانه بیش از ۳۰ هزار کودک به علل ناشی از فقر بیش از حد تلف می‌شوند، مخارج هنگفتی در کشورهای ثروتمند صرف مصارف غیرضروری و یا تجملی می‌شود. این موضوع در مورد دولت‌ها مصداق واضح‌تری دارد. طبق برآوردهای سازمان‌های غیردولتی، کمابیش با صرف هزینه‌ای معادل ۵۰ دلار در ماه می‌توان جان کودکی را در افریقا نجات داد. در همین حال، بودجه نظامی دولت امریکا با وجود تمام ادعاهای بشردوستانه‌اش بیش از پانصد میلیارد دلار است، و البته چنین هزینه کلانی در قالب منافع ملی توجیه می‌شود. استدلال کتاب این است که با ادامه فرایند جهانی‌شدن و به هم پیوستگی روزافزون سرنوشت انسان‌ها، سیستم اخلاقی‌ای که این چنین منافع گروهی خاص را به منافع همه ترجیح می‌دهد، نیازمند بازنگری است.

با توجه به اهمیت روزافزون مباحث مربوط به جهانی‌شدن، و همچنین با توجه به تازگی بسیاری از این مباحث به‌خصوص در کشور ما، امید است کتاب حاضر برای خوانندگان فارسی‌زبان مفید واقع شود. بدیهی است که همچون هر مبحث دیگری، سؤالات مطرح شده مهم‌تر از جواب‌های خاصی است که نویسنده طبق برداشت‌ها و پیش‌داوری‌های خود ارائه می‌دهد. در ترجمه متن سعی بر این بوده که در حد امکان ضمن وفاداری به متن اصلی معنای مورد نظر نویسنده نیز حفظ شود. اما این دو هدف به ناچار در مواردی به سختی قابل جمع بودند، و در چنین مواردی اولویت به حفظ معنا داده شده است تا وفاداری به ظاهر لفظی متن. با وجود این، مسلماً کاستی‌ها و نواقصی در متن فارسی موجود است که امید است صاحب‌نظران با تذکر آن‌ها مترجم را قرین لطف خود سازند.

مقدمه نویسنده بر ترجمه فارسی

در زمانی که ایران نقش روزافزونی در امور جهانی ایفا می‌کند، خوشحالم که این کتاب اکنون به زبان فارسی منتشر می‌شود. امیدوارم این کتاب به مردم ایران کمک کند تا متوجه شوند که یک شهروند جهانی خوب بودن چقدر اهمیت دارد، و این که مشارکت در ایجاد یک جامعه جهانی واحد تا چه حد ضروری است. در حالی که جهان به گونه‌ای روزافزون به صورت مجموعه‌ای به هم پیوسته درمی‌آید، این موضوع اهمیت بیش‌تری پیدا کند که مردم در همه جا متوجه شوند که ما انسان‌ها واقعاً ساکنان یک جهان‌ایم، و نمی‌توانیم فقط بر اساس «آن‌چه برای کشور ما بهتر است» فکر کنیم. ما باید در این قالب بیندیشیم که «چه چیزی برای کل جهان بهتر است.»

این نکته به آشکارترین وجه در مورد تغییرات جهانی آب و هوا مصداق پیدا کرده است. همه ما از اتمسفری واحد سهم‌ایم، و همه ما آثار گازهای گلخانه‌ای منتشر شده از هر کشوری را احساس خواهیم کرد. از زمانی که این کتاب برای اولین بار منتشر شد این موضوع هر روز بیش‌تر مورد توجه قرار گرفته است، زیرا دانشمندان نشان داده‌اند که ما به سرعت به نقطه‌ای خطرناک از نظر میزان تولید گازهای گلخانه‌ای نزدیک می‌شویم. اگر هرچه زودتر در این روند تغییری داده نشود، الگوهای آب‌وهوایی جهان به شکل پیش‌بینی‌ناپذیری تغییر خواهد کرد. محتمل است که کشورهای خشکی مانند ایران به شدت بیش‌تری تحت تأثیر تغییرات

الگوهای بارش باران واقع شوند. بنابراین، همه ما باید به سهم خود در کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای بکوشیم.

همچنین در طی سال‌های اخیر شاهد بحث‌های بیش‌تری دربارهٔ نظم جهانی بوده‌ایم. پس از مشاهدهٔ تلفات جانی وحشتناک ناشی از حملهٔ امریکا به عراق، همه ما باید قطعاً به این نتیجه رسیده باشیم که در راهکارهای بین‌المللی حل خصومت بین کشورها از راه‌های مسالمت‌آمیز اشکالی جدی پدید آمده است. همان‌گونه که در فصل مربوط به «قانون واحد» در این کتاب توضیح داده‌ام، بسیار مهم است که همه کشورها از حاکمیت قانون در عرصهٔ بین‌المللی حمایت کنند، و همچنین بسیار مهم است که ما به تقویت سازمان‌های جهانی‌ای پردازیم که می‌توانند به تحقق جهانی صلح‌آمیزتر و موزون‌تر کمک کنند. حتی کشورهای متوسط و کوچک باید بیش‌تر از کشورهای بزرگ و قدرتمند از حاکمیت سازمان ملل پشتیبانی کنند و در تقویت آن بکوشند. هرگاه کشوری - هر چقدر هم که قدرتمند باشد - تلاش کند تا بر جهان سیطره پیدا کند، سازمان ملل باید بتواند مانند دیواری محکم در مقابل آن کشور بایستد.

در جریان تجاوز به عراق، بوش رئیس‌جمهور امریکا بدون حمایت یا تصویب سازمان ملل وارد عمل شد، و بنابراین حملهٔ مزبور ناقض منشور سازمان ملل بود. بسیاری از سیاستمداران تراز اول امریکا اکنون به این اشتباه پی برده‌اند، و متوجه شده‌اند که در آینده امریکا باید به سازمان ملل احترام بیش‌تری بگذارد. سازمان ملل باید از همهٔ کشورهای صلح‌طلب در مقابل خطر تجاوز حمایت کند، اما برای توفیق در این راه به حمایت و همکاری کامل تمامی کشورها نیاز دارد. سازمان ملل باید اصلاح شود تا بتواند در شرایط گوناگون به شکل قاطع‌تر و مؤثرتری وارد عمل شود، و خواسته‌هایش نیز مورد احترام بیش‌تری قرار گیرد.

و بالاخره، اگرچه ایران کشوری است که هنوز بسیاری از شهروندانش در فقر زندگی می‌کنند، به دلیل وجود نفت صاحب ثروت زیادی است و بسیاری از ایرانیان نیز ثروتمندند. امیدوارم آنان فصل مربوط به «جامعهٔ واحد» را بخوانند و تشویق شوند تا نقشی در تسکین آلام فقیرترین مردم جهان - در هر کجای جهان که زندگی می‌کنند - ایفا کنند، که بی‌تردید این خود از لوازم زندگی اخلاقی است.

مقدمهٔ چاپ دوم

استدلال کتاب حاضر این است که درحالی که کشورهای جهان برای حلّ مسائل جهانی، از قبیل تجارت، تغییرات آب و هوا، عدالت، و فقر، به هم نزدیک‌تر می‌شوند، لازم است رهبران این کشورها به جای آن که صرفاً برای حفظ منافع ملی خود تلاش کنند، دیدگاه وسیع‌تری را برگزینند. در یک کلام، این رهبران باید در مورد جهانی شدن دیدگاهی اخلاقی داشته باشند. اما در مدتی که از انتشار کتاب می‌گذرد، جنگ عراق توجه همه را به خود جلب کرده است. ابتدا تدارکات تدریجی پیش از جنگ، سپس خود جنگ، و بالاخره پیامدهای آن. این اتفاقات چه تأثیری بر دورنمای رویکرد اخلاقی پیشنهادی در این کتاب داشته است؟

بحران عراق از آن جا آغاز شد که دولت بوش پس از وقایع یازده سپتامبر و جنگ با افغانستان اعلام کرد که در پی پایان دادن به تهدیدی است که به ادعای ایشان از سلاح‌های کشتار جمعی صدام ناشی می‌شود. اگرچه این هدف سوالات اخلاقی زیادی را برمی‌انگیخت، احتمالاً مهم‌ترین این سوالات تا آن جا که به دیدگاه این کتاب مربوط می‌شود، این بود که آیا راهی که امریکا برای رسیدن به مقاصد خود انتخاب کرد منجر به کاهش اعتبار سازمان ملل می‌شد یا افزایش آن؛ آن هم با توجه به این که تنها مجمع جهانی‌ای که می‌توانست راهی صلح‌آمیز برای حلّ بحران‌هایی از این قبیل فراهم کند سازمان ملل بود. از همان ابتدا رهبران امریکا اشاراتی می‌کردند